

# یادآوری:

۱. درباره اعتبارات عقلایی گفتیم:

- اعتبارات عقلایی، عبارتند از «موجودات اعتباری» که در وعاء اعتبار عقلایی به وسیله یک شخصی حقیقی یا حقوقی پدید می آیند.
- وجه تمایز این اعتبارات با اعتبارات شخصی در آن است که در به کار بردن اعتبارات عقلایی، «اراده استعمالی» و «اراده جدی»، با یکدیگر مطابق می باشند.
- اعتبارات عقلایی، خود به دو نوع «انشایی» و «حقیقی» تقسیم می شوند.
- اعتبارات عقلایی، الزاماً ناشی از «اعتبارات ادبی» نیستند.
- اعتبارات عقلایی، به سبب آنکه کاری عاقلانه هستند، تنها در صورتی موجود می شوند (اعتبار می شوند) که اثری بر وجود آنها مترتب می شود.
- اعتبارات عقلایی، عمومی هستند - به این معنی که به یک نفر وابسته نمی باشند - و مربوط به جامعه ای هستند که آن اعتبار در میان آنها موجود شده است.
- اعتبارات عقلایی، در ذهن مجموع عقلاء موجودند و لذا تا وقتی که عده از مجموعه اعتبار کنندگان (آنان که آن را پذیرفته اند) باقی است و آن اعتبار را قبول دارند، «اعتبار عقلایی» می باشد.
- اصل و کلیت اعتبارات عقلایی حقیقی، از «اعتبارات عقلایی انشایی» پدید می آیند. ولی لازم نیست جزئیات اعتبارات عقلایی حقیقی، ناشی از اعتبارات عقلایی انشایی باشند.

۲. درباره انشاء گفتیم، مبانی مختلفی در میان اصولیون مطرح است:

الف) مبنای مرحوم آخوند:

وضع، موضوع له و مستعمل<sup>۱</sup> فیه، در خبر و انشاء یکی است [«بعث» - چه خبری باشد و چه انشایی - به یک معنی هستند؛ ولی همانطور که حرف و اسم - من و ابتداء - به یک معنی بودند و در یک معنی استعمال می شدند و در عین حال «من» استعمال می شد برای آنکه «لیراد منه معناه آله لغیره» و «ابتداء» استعمال می شد برای آنکه «لیراد منه بما هو هو»، «بعث» گاه استعمال می شود تا حکایت از نسبتی کند [خبر] و گاه استعمال می شود تا معنایش را ایجاد کند [یعنی «بعث» وضع شده برای آنکه نسبت بین «فاعل» و «ماده» را بیان کند و در همان معنی هم استعمال شده است ولی گاه استعمال می شود تا «حکایت» کند و گاه استعمال می شود تا «ایجاد»



کند]

نکته: معمول شارحین نظریه آخوند و کسانیکه متعرض نظریه ایشان شده اند، می نویسند که کلام مرحوم آخوند درباره جملاتی است که گاه به صورت انشایی به کار می روند و گاه به صورت خبری (مثل بعث).

در این باره گفتنی است: مرحوم آخوند دو مدعی دارند:

الف. اینکه موضوع له و مستعمل فیه در «انشاء و خبر»، یکی است و تنها شرط استعمال آن دو متفاوت است = این بحث درباره جملات مشترکه است.

ب. انشاء وضع شده است برای «ایجاد معنی به وسیله لفظ در نفس الامر» = این بحث درباره همه جملات است.

پس می توان گفت ظاهراً مراد مرحوم آخوند آن است که:

در همه انشاءات، لفظ جمله انشائیه، ایجاد کننده «اعتبار عقلایی انشایی» است. اما در برخی از آنها، جمله انشائیه با جمله خبریه دارای موضوع له و مستعمل فیه واحدی است؛ ولی در برخی دیگر، جمله انشائیه، موضوع له و مستعمل فیه خاص خودش را دارد (و با جملات خبریه مشترک نیست).

جمع بندی:

اینکه مرحوم آخوند می فرماید: «لفظ موجد اعتبار عقلایی انشایی است» حرف صحیحی نیست چراکه اعتبارات عقلایی انشایی، محتاج «علت ذهنی» است.

ب) مبنای مشهور:

انشاء عبارت است از: ایجاد معنا به وسیله «لفظ» در عالم اعتبار عقلایی. به این معنی که: به وسیله لفظ

یک فرد حقیقی برای معنای اعتباری حاصل می شود. پس «القاء لفظ» سبب است برای آنکه عقلاء معنا را اعتبار کنند. لذا انشاء یعنی سبب شدن به وسیله لفظ برای اعتبار عقلایی.

پس فرق این قول با قول مرحوم آخوند آن است که در قول مرحوم آخوند لفظ، معنا را در وعاء اعتبار انشایی پدید می آورد و در قول مشهور در وعاء اعتبار حقیقی.

ما می گوئیم:

۱) طبق این بیان، در انشاء، لفظ در معنایی ذهنی استعمال نمی شود. یعنی چنین نیست که «اول گوینده معنا را در نفس خویش اعتبار کند، بعد لفظ را در آن استعمال کند و از آن اعتبار نفسانی انشایی خبر دهد، و بعد عقلاء از آن لفظ، اعتباری حقیقی را پدید آورند.» بلکه لفظ مستقیماً معنا را در وعاء اعتبار عقلایی ایجاد می کند.



- ۲) گفتیم وعاء اعتبار عقلایی چیزی جز ذهن عقلاء نیست و علت آن اعتباراتی که در ذهن عقلاء موجود می شود، «اذهان عقلاء» است. پس باز هم لفظ علیت تکوینی برای آن ندارد.
- ۳) گفتیم اعتبارات عقلایی حقیقی معمولاً مسبوق به اعتبارات عقلایی انشایی هستند. در حالیکه در این تقریر از بیان مشهور، بدون اعتبار انشایی شخصی، اعتبار حقیقی حاصل می شود.
- اللهم الا ان يقال: گوینده هم زمان با القای لفظ، آن معنی را در نفس خویش هم اعتبار می کند و لذا پیش از اعتبار حقیقی، اعتبار انشایی موجود می شود. پس لفظی که هم زمان با القای آن، اعتبار انشایی هم موجود می شود (به عبارت دیگر لفظی که در معنای خود به اراده جدی استعمال می شود) موضوع می شود برای اینکه عقلاء در اذهان خودشان، آن معنی را اعتبار کنند.
- اگر چنین گفتیم، مبنای مشهور قابل پذیرش است.

